شیرازه

جنون جنگ

شرق: رمان «فابیان» از آثار شاخص اریش کِستنر است که نخستین بار در سال ۱۹۳۱ منتشر شد و در آن تصویر زنده‌ای از زندگی در برلین معاصر به دست داده شده است. کِستنر در رمانش نقدی تند و تیز از جناح راست کرده و اخلاقیات آن روزگار را موهن و غیراخلاقی نشان داده و از سوی دیگر، تصویری هجوآمیز از سنت‌های آلمانی به دست داده است. اریش کِستنر، نویسنده، شاعر و طنزپرداز آلمانی بود که در سال ۱۸۹۹ در درسدن متولد شد. سبک ادبی او با درون‌مایه‌های شوخ‌طبعی و نقد اجتماعی شناخته می‌شود. کِستنر را با آثارش در ادبیات کودکان، به‌ویژه « امیل و کارآگاهان» نیز می‌شناسند. او در سال ۱۹۶۰ مدال بین‌المللی هانس کریستین اندرسن را دریافت کرد و در طول عمرش شش بار نامزد دریافت جایزه نوبل ادبیات شده بود. «فابیان» اخیرا با ترجمه اژدر انگشتری در نشر بیدگل منتشر شده و به پیوست رمان مقدمه رادنی لیوینگستون بر ترجمه انگلیسی اثر هم به فارسی برگردانده شده است. او در بخشی از متنش نوشته که اگرچه اریش کِستنر کمونیسم را هم نفی کرده بود، اما روزنامه کمونیستی «پرچم سرخ» این رمان او را ستود. «فابیان» نه‌تنها در دوره انتشارش، بلکه همچنان محل بحث و جدل‌های زیادی است و این نشانه‌ای از زنده‌بودن این اثر است. مترجم انگلیسی اثر نوشته که «فابیان» بیش از پیش جایگاه خود را به‌عنوان یکی از رمان‌های کلیدی جمهوری وایمار پیدا کرده و اثری است که تصویر دقیق و وفادارانه‌ای از حال‌وهوای سال‌های احتضارش نشان می‌دهد. او با قیاس این رمان با رمان‌های شاخص دیگری که می‌توان شباهت‌هایی میان آنها یافت، نوشته: «یقینا هستند آثاری که واجد اعتبار ادبی بیشتری باشند؛ برای مثال، کوه جادو اثر توماس مان یا مرثیه‌های دوئینو اثر ریلکه. اما این آثار (در مقام دستاوردهای برجسته ادبی مدرنیسم متعالی) با جامعه‌ای که آنها را پدید آورده پیوندهای غیرمستقیم‌تر و ضمنی‌تری دارند. حتی اپرای سه پولی برشت با برلین میدان الکساندر آلفرد دوبلین نیز موفق نمی‌شوند به خوبی رمان کستنر برلین سال‌های جنون‌آمیز قبل از ۱۹۳۳ را چنین ملموس و بی‌واسطه به تصویر بکشند. شباهت‌هایی با کتاب‌های برلینِ کریستوفر ایشروود وجود دارد، ولی رمان کستنر زودتر از آنها منتشر شد و داستان خود را از زاویه یک خودی روایت می‌کند. علاوه بر این، کستنر -به‌عنوان صدای متین و کنایه‌آمیز لیبرال‌دموکراسی‌ای که به شکلی غم‌انگیز محکوم بود به نابودی- بیان بی‌واسطه و مستقیمی دارد که نویسندگان دیگر، و شاید بزرگ‌تر، از آن بی‌بهره‌اند». خود کستنر هم در بخشی از پیشگفتارش با اشاره به دوره‌ای که مدنظر رمان است، نوشته: «بیکاری گسترده، فشار روحیِ ناشی از بحران اقتصادی، میل به کرختی، اقدامات نسنجیده احزاب؛ اینها نشانه‌های وخیم بحرانی قریب‌الوقوع‌اند، و حتی سکوت و آرامش هولناک قبل از طوفان هم بود؛ رخوت قلبی که مثل فلجی همه‌گیر بود. برخی عزم مقابله با طوفان و سکوت کردند، ولی پس زده شدند. ترجیح دادیم به هوچی‌ها و شارلاتان‌هایی گوش دهیم که گچ خردل و دواهای مسمومشان را به ملت قالب می‌کردند. دنبال عوام‌فریبان افتادیم، در آن پرتگاه سقوط کردیم، پرتگاهی که اکنون مثل مرده‌های متحرک در آن جا خوش کرده‌ایم و سعی می‌کنیم خود را با آن وفق دهیم، جوری که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده».

«عصیان» یوزف روت که مدتی پیش با ترجمه سینا درویش‌عمران و کیوان غفاری در نشر بیدگل به چاپ رسیده بود، عنوان رمانی است که اخیرا در این نشر بازچاپ شده است. یوزف روت یکی از مهم‌ترین نویسندگان ادبیات آلمانی در میان سال‌های دو جنگ جهانی است. رمان «عصیان» نخست در سال ۱۹۲۴ به صورت سریالی در روزنامه آلمانی «فورورتس» منتشر شد و در همان سال در قالب کتاب نیز به چاپ رسید. روت در سال ۱۸۹۴ در خانواده‌ای یهودی متولد شد. او در دوران جوانی در دانشگاه وین فلسفه و ادبیات آلمانی خواند و در ۱۹۱۶ با پیوستن به نیروهای ارتش، تحصیل را رها کرد. جنگ تجربه‌ای است که تأثیر زیادی بر او گذاشت و رد این تجربه در برخی آثار او دیده می‌شود. روت هم به‌عنوان نویسنده و هم به‌عنوان روزنامه‌نگار، چهره مهمی به شمار می‌رفت و در هر دو عرصه شناخته‌شده بود. او در سال ۱۹۲۳ اولین رمانش به نام «تارعنکبوت» را نوشت؛ داستانی که البته هیچ‌گاه در قالب کتاب به چاپ نرسید. روت این رمان را به شکل پاورقی در روزنامه کارگر وین چاپ می‌کرد و بعدها آن را به لحاظ ادبی بی‌ارزش دانست. رمان بعدی او «هتل ساوی» نام دارد که در روزنامه فرانکفورتر منتشر می‌شد. «عصیان» سومین رمان یوزف روت است. این رمان که در روزنامه سوسیالیست‌های آلمانی منتشر می‌شد، در سال ۱۹۲۴ در قالب کتاب هم منتشر شد. این سه رمان به دوره آغازین کار روت اختصاص دارند. «عصیان» روایتی است که به واپسین دم زندگی یک انسان و ذهنیت او پرداخته است. یوزف روت در این رمانش، به‌گونه‌ای بی‌رحمانه به مسئله سرنوشت می‌پردازد. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «آقای آرنولد قدبلند، تندرست و به نسبت متمول بود و بااین‌حال چندان از زندگی‌اش راضی نبود. کسب‌وکارش رونق داشت. در خانه همسری وفادار منتظرش بود که برایش دو فرزند به دنیا آورده بود: دقیقا همان‌طور که آرزویش را داشت، یک پسر و یک دختر. کت‌وشلوارهایش خوب به تنش می‌نشست، کراوات‌هایش همیشه مطابق مد روز بود، ساعت جیبی‌اش درست کار می‌کرد و ساعات روزش با دقت هرچه تمام‌تر برنامه‌ریزی شده بود. هیچ اتفاق غیرمنتظره ناخوشایندی زندگی آرام و منظمش را متزلزل نمی‌کرد. تقریبا غیرممکن بود که سر صبح نامه‌ای آزاردهنده از خویشاوندی فقیر به دستش برسد که در آن عاجزانه از او طلب کمک کرده باشد. اصلا خویشاوند فقیر نداشت. از خانواده‌ای مرفه بود که در آن هیچ دعوا و مرافعه‌ای رخ نمی‌داد. همه اعضای خانواده شبیه هم بودند، با یک‌جور بی‌اعتنایی مسالمت‌آمیز و جهان‌بینی مشابه، نگرش سیاسی مشابه، سلیقه شخصی مشابه، و همین‌طور در تحقیر سلیقه رایج یا پیروی از آن با هم مو نمی‌زدند». منتقدان «عصیان» را روایتی دانسته‌اند که از منطق اروپایی و سرراست قصه پریان پیروی می‌کند و او را یکی از زوایای چهارگوشی می‌دانند که رئوس دیگرش نام‌های بزرگی همچون کافکا، موزیل و تسوایگ هستند. شخصیت اصلی «عصیان» کهنه‌سربازی بازگشته از جنگ جهانی اول است که پایش را در جنگ از دست داده و چیزی جز یک نشان نظامی برایش باقی نمانده است.

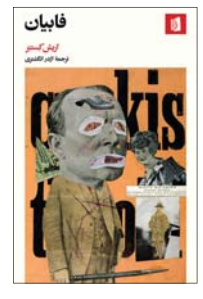

فابیان
اریش کستنر
ترجمه اژدر انگشتری
نشر بیدگل

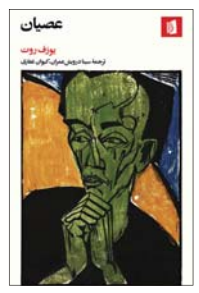

عصیان
یوزف روت
ترجمه سینا درویش‌عمران و کیوان غفاری
نشر بیدگل

به مناسبت انتشار نخستین روایت ژانر گوتیک با ترجمه کاوه میرعباسی

سلطه گذشته

پیام حیدرقزوینی

اگرچه ژانر گوتیک در قیاس با ادبیات کهن گونه‌ای جدید به شمار می‌رود، با این حال این ژانر یکی از قدیمی‌ترین ژانرهای ادبی است و سیر تحول آن منجر به شکل‌گیری ژانرهای دیگری شد. از این‌رو شناخت سیر تحول این ژانر ادبی برای درک بسیاری از گونه‌ها و ژانرهای دیگر ادبی ضروری است.

هوراس والپول در سال ۱۷۶۵ با انتشار رمان «قلعه اوترانتو»، با عنوان فرعی «یک روایت گوتیک»، ژانر ادبی گوتیک را پدید آورد. این رمان روایتی است شبه‌شکسپیری درباره نفرینی دیرین که به فرمانروایی مانفرد پایان می‌دهد و خاندانش را منقرض می‌کند. اگرچه امروز آثار شاخص‌تری در ژانر گوتیک در دست است، اما «قلعه اوترانتو» همچنان از شاهکارهای این گونه ادبی به شمار می‌رود. این رمان را در دسته گوتیک غیرواقع‌گرا یا متافیزیک دسته‌بندی کرده‌اند و این به دلیل وجود عاملی ماوراءالطبیعی در روایت این اثر است.

داستان‌های گوتیک را می‌توان ژانری ترکیبی و تقاطعی از ژانرهای گوناگون دانست و حتی امروز هم می‌توان ردی از آن را هم در آثار شاخص ادبی و هم در داستان‌های عامه‌پسند جست‌وجو کرد. این ژانر تقریبا از همان آغاز به دو گروه گوتیک متافیزیک و گوتیک واقع‌گرا تقسیم شد و بعدتر عناصری از آن در جریان‌های ادبی و هنری به‌ویژه در آثار رمانتیک‌ها و ادبیات تمثیلی ادامه یافت.

«قلعه اوترانتو» در میانه قرن هجدهم منتشر شد، یعنی در اوج روشنگری و این به نوعی تداوم گذشته تاریک در عصر روشن‌بینی جدید بود. مضمون بارز ادبیات گوتیک سلطه خفقان‌آور گذشته بر زمان حال است یا به تعبیری غلبه سرکوبگرانه دوران تاریک‌اندیشی بر روشن‌بینی عصر جدید. این مضمون اغلب در حاشیه‌ها و مکان‌های بسته و متروک نظیر دخمه‌ها، دهلیزها، صومعه‌ها و قلعه‌ها یا خانه‌های ییلاقی پرت‌افتاده رخ می‌دهد و فروپاشی و انحطاطی همراه با عذاب‌های روحی و جسمی را به تصویر می‌کشد. در روایت گوتیک معمولا موجودات خیالی و اشباح حاضرند و همه این ویژگی‌ها در دوران سلطه عقلانیت مدرن به وقوع می‌پیوندند.

«قلعه اوترانتو» چند سال پیش با ترجمه کاوه میرعباسی در نشر قطره منتشر شده بود و به‌تازگی چاپ تازه‌ای از آن در نشر افق منتشر شده است. این رمان به این دلیل که نقطه شروع سنت ادبی گوتیک است، همچنان از جایگاه مهمی برخوردار است. نویسنده این رمان، هوراس والپول، در سال ۱۷۱۷ در انگلستان متولد شد و «قلعه اوترانتو» مشهورترین اثر او به شمار می‌رود. اما او به‌جز این رمان، در سال ۱۷۶۸ تراژدی «مادر مرموز» را به شعر سپید نگاشت، رساله «تردیدهای تاریخی در باب زندگانی و سلطنت شاه ریچارد سوم» را در مقام مورخ نوشت و رساله دیگرش با عنوان «نکته‌ها و حکایت‌هایی از نقاشی در انگلستان» در چهار مجلد، اثری باارزش در زمینه تاریخ هنر به شمار می‌رود. برخی از ویژگی‌هایی که بعدها در گوتیک جنوبی و رمان‌های فاکنر تجلی یافتند، در «قلعه اوترانتو» دیده می‌شوند. برای مثال جدال با سرنوشت شوم و تقدیرستیزی در رمان والپول بی‌شباهت با رمان‌های فاکنر نیست. فاکنر که دغدغه روایت تقدیر شوم خاندان‌های زمین‌دار جنوب آمریکا را داشت، با بنیان‌نهادن گوتیک جنوبی، روح تازه‌ای به ژانر گوتیک دمید و به لحاظ ادبی شاهکارهایی مسلم در این ژانر خلق کرد.

والپول در «قلعه اوترانتو» عامدانه تلاش کرده که رمانی شکسپیری بنویسد. او به شکسپیر علاقه‌ای وافر داشت و این رمان او به‌طور ویژه به آثار شکسپیر نزدیک شده است. روایت والپول شکلی نمایشی دارد و همچنین رمانی دیالوگ‌محور است و از این نظر شباهت‌هایی به نمایش‌نامه‌های دوران الیزابتی دارد. همچنین در این رمان برخی مضامین تکرارشونده آثار شکسپیر مانند حضور شبح و فرمانروای غاصب و وارث واقعی تاج و تخت دیده می‌شود. در «قلعه اوترانتو» از والپول، سرنوشت شوم به شکل نبود فرزند پسر و انقطاع نسل پادشاه و مبارزه او با این تقدیر دیده می‌شود. پسر امیری به نام مانفرد، درست در روز عروسی‌اش به شکل ابهام‌آمیزی کشته می‌شود و فرمانروا پس از این ماجرا دچار وسوسه ازدواج با عروس نگون‌بخت می‌شود و نفرینی دیرین در پی این ماجرا تحقق می‌یابد و به خاندان پادشاهی مانفرد پایان می‌دهد. حضور و نقش «جسد» در این رمان و رمز و راز نهفته در کنار آن بعدها به یکی از اصلی‌ترین مضامین ادبیات پلیسی بدل شد. فراتر از این، حتی یکی از پایه‌های اصلی ادبیات پلیسی را می‌توان ژانر گوتیک دانست و درواقع روایت پلیسی اولیه از نتایج فرعی ژانر گوتیک بود که بعدها استقلال خود را یافت. البته تأثیر ژانرها بر یکدیگر نه یک‌سویه بلکه متقابل است و از این‌رو وقتی روایت پلیسی به‌تدریج استقلال خود را یافت، تأثیر خود را بر ادبیات گوتیک نیز گذاشت، یعنی عناصر روایت پلیسی نیز نفوذ بیشتری در رمانس گوتیک یافتند. اما آنچه در روند تکامل روایت گوتیک در سده بیستم بسیار درخور توجه است و کاوه میرعباسی نیز به آن اشاره کرده، تأثیر روان‌کاوی و آرای فروید بر نویسندگان ژانر گوتیک است: «مضامین متعدد روایت گوتیک معاصر را می‌توان به دو مضمون اصلی برگرفته از نظریات فروید تقلیل داد: کشمکش اودیپی میان والدین و فرزندان و تروما که پیامدشان تمناهایی ناخودآگاه است، متمرکز بر باخت یا ازدست‌دادن چیزی معمولا مادی و دارای عینیت که همواره بعدی روان‌شناختی و نمادین نیز دارد».

از زمان انتشار «قلعه اوترانتو» تا امروز منتقدان مواجهه‌ای پرنوسان با این ژانر ادبی داشته‌اند. از یک سو کلیشه‌های دلهره‌آورش را به تمسخر گرفته‌اند و از سوی دیگر قدرت تأثیرگذاری روان‌شناختی و فضاسازی‌هایش را ستوده‌اند. والپول این سنت ادبی را بنیان گذاشت، به امید آنکه تخیل را با صلابت و استحکام واقع‌گرایی آشتی دهد. پس از او نویسندگانی مانند خواهران برونته، چارلز دیکنز و ویلیام فاکنر با توانایی‌ها و امکان‌هایی بیشتر این هدف را محقق کردند. میرعباسی درباره اقبال نویسندگان به ژانر نوخاسته گوتیک نوشته که این اقبال از سال ۱۷۹۰ به این سو در انگلستان و ایرلند آغاز شد و بیش از سه دهه دوام آورد و برخی از برجسته‌ترین آثار ادبیات گوتیک نیز در همین دوره پدید آمدند. اما روایت گوتیک در دوره معاصر و در نیمه نخست سده بیستم، عمدتا به واسطه نویسندگان داستان‌های اشباح ادامه یافت و نیز نویسندگان رمان‌های وهم‌آلود و شگفت‌انگیز. در این دوره فاکنر چهره‌ای استثنائی است که روحی تازه در کالبد ژانر گوتیک می‌دمد.

قلعه اوترانتو
یک روایت گوتیک
هوراس والپول
ترجمه کاوه میرعباسی
نشر افق

مرگ، سرکوب و آزادی

شرق: «به یاد می‌آورم چگونه آن شب، بیدار، زیر نور واگن، در خلسه لطیف و لذت‌بخشی از هیجان، دراز کشیده بودم، گونه سوزانم را به بالش تر و تمیز کتانی می‌فشردم و تپش قلبم، کوبش پیستون‌های عظیمی را تقلید می‌کرد که قطار را بی‌وقفه به پیش می‌راند و آن شب من را از پاریس، از دوشیزگی‌ام، از آرامش امن و سپید آپارتمان مادرم دور می‌کرد و به سرزمین پیش‌بینی‌ناپذیر زناشویی می‌برد». این آغاز داستانی است با عنوان «تالار خونین» از آنجلا کارتر که در مجموعه‌ای داستانی با همین نام و با ترجمه علی کهربایی در نشر نو منتشر شده است. آنجلا کارتر از نویسندگان بریتانیایی قرن بیستم است که در سال ۱۹۴۰ متولد شده بود و در ۱۹۹۲ درگذشت. او را یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های ادبیات پست‌مدرن و فمینیستی دانسته‌اند که آثارش به خاطر بازآفرینی افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه شهرت دارد. آنجلا کارتر در دانشگاه بریستول تحصیل کرد و در طول دوران فعالیتش آثار برجسته‌ای در قالب داستان کوتاه، رمان و مقالات برجا گذاشت. او غالبا آثارش را به سبک رئالیسم جادویی و پیکارسک می‌نوشت. پس از انتشار نخستین رمانش در سال ۱۹۶۶ با عنوان «رقص سایه»، بی‌درنگ به جایگاهی رفیع در ادبیات انگلیسی دست یافت. قصه‌های پریان زیادی از فرانسوی ازجمله از نوشته‌های شارل پرو به انگلیسی ترجمه کرد. استاد نویسندگی خلاق در دانشگاه شفیلد و دانشگاه براون بود و بارها در دانشگاه‌های آمریکا و استرالیا تدریس کرد. جوایز معتبر نویسندگی زیادی را تصاحب کرد، مثلا جایزه سامرست موآم و جان لِولین ریس. آثار کارتر اغلب زبانی غنی و شاعرانه دارد که با استفاده از عناصر خیال‌پردازی و روایت‌های غیرمعمول، موضوعاتی مانند جنسیت، قدرت و نقش‌های اجتماعی را نقد می‌کند. او با دیدگاهی فمینیستی به بازخوانی داستان‌های کلاسیک می‌پردازد و جایگاه‌های سنتی شخصیت‌ها را زیر سؤال می‌برد، تا واقعیت‌های پنهان در پشت قصه‌های قدیمی را نمایان کند. این بازخوانی‌ها به آثارش عمقی تازه می‌بخشند و خواننده را به تأمل وامی‌دارند. او در مجموعه داستان «تالار خونین و داستان‌های دیگر» که شامل ۹ داستان است، با نگاهی نو و جسورانه، مفاهیمی مانند هویت، سرکوب و آزادی را کندوکاو می‌کند. او با روایت‌هایی پیچیده و تأثیرگذار، مخاطب را به دنیایی می‌برد که در آن قصه‌ها فراتر از روایت‌هایی ساده‌اند و بازتابی از آرزوها و ترس‌های انسانی به شمار می‌آیند.

«بیشتر عمر کنیم»، با عنوان فرعی «علم و هنر افزایش طول عمر» عنوان کتابی است از پیتر عطیه که این نیز به‌تازگی با ترجمه شیرین احمدی در نشر نو منتشر شده است. این کتاب شامل سه بخش است و بیش از هر چیز به این پرسش‌ها می‌پردازد که چگونه و چرا می‌میریم؟ چطور می‌توانیم بیماری‌های مزمنی را که مهم‌ترین عوامل مرگ‌ومیر هستند، به تعویق بیندازیم یا اصلا از آنها پیشگیری کنیم؟ نویسنده در کتابش نشان داده سلامتی عاطفی چطور با طول عمر ارتباط دارد و به بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته است. دکتر پیتر عطیه، متخصص شناخته‌شده طول عمر است. او در سی‌وچندسالگی شناگرِ ماراتن بود و مسافت‌های طولانی را در اقیانوس شنا می‌کرد، ولی در نهایت شگفتی دریافت که وضع سلامتی‌اش به‌شدت خراب است و با ادامه‌دادن روندی که در پیش گرفته، مرگ زودهنگام بر اثر بیماری قلبی سرنوشت محتومش خواهد بود. دانستن همین نکته او را واداشت که تحقیق درباره طول عمر را آغاز کند. پیتر عطیه در دانشکده پزشکی استنفورد و بخش جراحی عمومی دانشگاه جان هاپکینز تحصیل کرده است. او متخصص جراحی انکولوژی در مؤسسه ملی سرطان آمریکاست و پژوهش‌هایش در زمینه طول عمر و ایمنی‌درمانی سرطان پوست بوده است. او در کتاب «بیشتر عمر کنیم» می‌گوید که پزشکی مدرن، با وجود تمام موفقیت‌هایش، در مواجهه با بیماری‌های دوران پیری پیشرفت چندانی نداشته است. بسیاری از مواقع مداخلات درمانی خیلی دیرهنگام انجام می‌شوند و نتیجه به تعویق انداختن مرگ است، به بهای افزودن دوره‌ای سرشار از درد و رنج به زندگی. او در اثرش نشان می‌دهد که چرا برای تغییر این وضع ضروری است که تغییری اساسی در رویکردمان به سلامتی و درمان پدید آوریم. یکی از بخش‌های کتاب درباره بی‌توجهی به سلامتی عاطفی و مسئله خودکشی است. نویسنده می‌گوید خودکشی یکی از ۱۰ علت برتر مرگ در تمام گروه‌های سنی است، از نوجوانان گرفته تا افراد مسن هشتادوچند ساله. او نوشته وقتی درباره خودکشی فکر می‌کند، یاد مردی می‌افتد که در سال ۱۹۸۵ در بیست‌وهشت سالگی از پل پایین پرید اما برخلاف موارد مشابه دیگر زنده ماند. او با شرح این داستان نوشته: «این‌طور نیست که هر که بخواهد خودکشی کند، از پل پایین بپرد. بسیاری از افراد از طریق مسیرهای انحرافی آهسته‌آهسته گرفتار فلاکت و مرگ زودهنگام می‌شوند و می‌گذارند استرس و خشم سلامتی‌شان را بفرساید یا با خوددرمانی دچار اعتیاد به الکل یا مواد می‌شوند، یا اسیر رفتارهای بی‌ملاحظه و مخاطره‌آمیزی می‌شوند که متخصصان سلامتی ذهنی شبه‌خودکشی می‌نامند. تعجبی ندارد که مرگ‌های ناشی از سوءمصرف الکل و مواد در گروه سنی سی تا شصت‌وپنج طی دو دهه گذشته افزایش شدیدی داشته است؛ بنا بر تخمین‌های مراکز کنترل و پیشگیری بیماری، در فاصله آوریل ۲۰۲۰ تا آوریل ۲۰۲۱، بیش از صد هزار آمریکایی بر اثر مصرف بیش از اندازه مواد جان باختند، تقریبا برابر با تعداد مرگ‌ها بر اثر دیابت. این اوردوزهای تصادفی تقریبا ۴۰ درصد مرگ‌های تصادفی را تشکیل می‌دهند. گروهی که تصادف‌های اتومبیل و مرگ بر اثر سقوط را نیز شامل می‌شود. برخی از این اوردوزها بی‌تردید تصادفی‌اند، ولی من شرط می‌بندم که بخش عمده‌ای از آنها را نهایتا در سطحی می‌توان قربانیان مشکلات سلامتی ذهنی به شمار آورد. اینها خودکشی روی دور آهسته‌اند، مردن از زور ناامیدی، شکلی دردناک ولی بسیاری اوقات نادیدنی از مرگ آهسته».

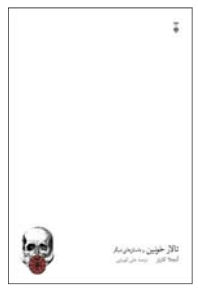

تالار خونین
آنجلا کارتر
ترجمه علی کهربایی
نشر نو

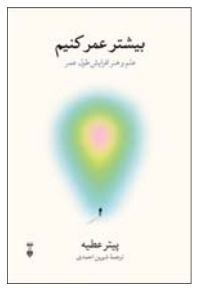

بیشتر عمر کنیم
پیتر عطیه
ترجمه شیرین احمدی
نشر نو

نگاه

مروری بر «تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی» اثر سیدمصطفی ابطحی
انقلاب ۵۷ از منظری نو

یعقوب حیدری

تاکنون کتاب‌های مختلفی درباره انقلاب اسلامی و علل وقوع آن منتشر و نظریات مختلف و متنوعی درباره انقلاب بزرگ قرن از سوی نظریه‌پردازان مطرح شده است. نکته اینجاست که هرکدام از این پژوهش‌ها و آثار به ساحت تک‌علتی علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران پرداخته‌اند. سیدمصطفی ابطحی به پشتوانه سال‌ها تدریس، تحقیق و پژوهش در حوزه علوم سیاسی، در کتاب «تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی» توانسته دریچه تازه‌ای به روی پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی باز کند. او در این کتاب به سیر تحول نظریه‌پردازی درباره انقلاب و دسته‌بندی آن، با ارائه آرای بسیاری از جامعه‌شناسان پرداخته است. این کتاب با به چالش کشیدن رهیافت ساختارگرایانه، ناتوانی نظریه‌های تک‌علتی را آشکار کرده و با رهیافت چندعلتی، بنیاد مطالعات تازه‌ای را در حوزه انقلاب اسلامی بنا نهاده و پارادایم جدیدی را دراین‌باره مطرح کرده است. ابطحی در این رهیافت نو و بدیع، جدای از بررسی زمینه‌ها و بسترهای سیاسی و اقتصادی انقلاب ۵۷، ماهیت فرهنگی، دینی، بومی و ملی آن را مورد مطالعه قرار داده و با بررسی جامع نظریه‌های هانتینگتون و آبراهامیان از یک سو و تئوری شش عاملی نیل اسملسر از سوی دیگر، قابلیت‌های این دو رهیافت را درباره رخداد انقلاب اسلامی مورد آزمون قرار داده است. نویسنده در فصل اول این کتاب به تبارشناسی مفهوم انقلاب، چیستی انقلاب و انواع آن پرداخته و در فصل دوم سیر تحول نظریه‌پردازی درباره انقلاب را شرح داده و به اندیشه و تأملات نظری فیلسوفان سیاسی مانند افلاطون و ارسطو پرداخته است. او در این کتاب، تئوری‌های انقلاب، ازجمله دیدگاه نظریه‌پردازان کلاسیک انقلاب مانند مارکس، پارتو، دورکهایم، ماکس وبر و الکسی دوتوکویل را دسته‌بندی و مورد بررسی قرار داده و ضمن بررسی علمی انقلاب با آرای کرین برینتون و طرح نقطه‌نظر او در باب انقلاب و نظریات تبیینی انقلاب‌ها با رهیافت‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی و ساختارگرایانه به بررسی آرای بخش متنوعی از جامعه‌شناسان پرداخته است. در بخش دوم کتاب نیز دو رهیافت علل وقوع انقلاب به تفصیل مورد نقد و نظر قرار گرفته است. نویسنده بر این عقیده است که وقوع انقلاب اسلامی سبب شد رهیافت وقوع تک‌علتی انقلاب را به محاق ببرد و لذا رهیافت چندعلتی، بنیاد مطالعات انقلاب اسلامی را شکل داده است. ابطحی بر این عقیده است که با وقوع انقلاب اسلامی، پارادایم جدیدی در مطالعات انقلاب مطرح شده و انقلاب اسلامی را در پارادایمی چندعلتی باید مورد پژوهش و مطالعه قرار داد. او می‌نویسند انقلاب اسلامی ناتوانی رهیافت‌های ساختارگرایانه و نظریه‌های تک‌علتی را آشکار کرده و با ارائه رهیافتی جدید، ضمن بررسی زمینه‌ها و بسترهای سیاسی و اقتصادی انقلاب اسلامی، ماهیت فرهنگی و دینی این انقلاب را در پرتو اسلام و تشیع، نقش ممتاز و بی‌بدیل فرهنگ دینی و بومی‌ـملی را مورد مداقه قرار داده است. نویسنده کتاب «تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی» تلاش کرده ضمن تبیین هم‌زمان تئوری ساموئل هانتیگتون و یروانند آبراهامیان مبنی بر نامتوازن‌بودن رشد اقتصادی و اجتماعی با نوسازی سیاسی دوره پهلوی و تئوری نیل اسملسر به برجسته‌کردن عناصر اصلی تئوری شش‌عاملی این جامعه‌شناس بپردازد. او در این کتاب با انطباق شرایط ساختار فرهنگی و مذهبی مردم ایران و دیگر عناصر مطرح در تئوری اسملسر بخش‌های ناگفته نظریه «توسعه نامتوازن» را تکمیل کرده است.

تئوری‌های انقلاب و انقلاب اسلامی
دکتر سیدمصطفی ابطحی
نشر قومس